**تئوفیل گوتیه (1872 - 1811 میلادی) مکتب پارناسیسم (**

**احمدی، احمد**

نویسندگان بزرگ مکتب رمانتیسم از قبیل«ویکتور هوگو Victor Hugo » که خود در حقیقت بانی و حامی این مکتب‏ است و خصوصا شعرا و نویسندگان بعد از او که بر ما نتیسم جنبهء اجتماعی دادند سعی‏ میکردند هنر و آثار هنری خود را در خدمت‏ اجتماع بکار برند و چراغ هدایت فرا راه‏ مردم بگیرند.این فکر بعدها در مکتب‏ رئالیسم نیرو گرفت و نویسندگان بزرگ‏ آن مکتب مانند:«بالزاک»همّ خود را در این امر مصروف داشتند.امّا در اوان تشکیل‏ مکتب رئالیسم عده‏ای از شعرای فرانسه‏ پیدا شدند که عقید داشتند:«باجتماع‏ مقیّد بودن و آثار خود را وقف جامعه کردن از ارزش هنری هنرمند میکاهد.»و نیز مینگفتند:«باید هنر را برای نقس هنر پرستید و بأن اهمیّت داد؛هنر فی نفسه با ارزش است و نیاید بجنبهء فایدهء مادی و اخلاقی اثر هنری توجهی کرد چنانکه گل‏ نرگس ارزش مادّی قابل ذکری ندارد امّا ارزش زیبائی آنرا نمی‏توان سنجید!».

تئوفیل گوتیه،شاعر معروف فرانسوی،از شعرائی است که ابتدا با شعرای‏ رمانتیک همکاری میکرد،امّا پس از مسافرتهای خود بروسیه،اسپانیا،شرق،طرفدار عقیده«هنری برای هنر3»شد.پیروان این عقیده میگویند کمال هنر در این است‏ که تنها بزیبائی آن توجّه شود نه بفایده و ارزش مادّی و اخلاقی آن.بنابرین عقیده، شاعر از اجتماعی چشم پوشیده بدنبال ذوق هنری خود میرود تا اثر خود را بحدّ اعلای‏ زیبائی و کمال برساند.گوتیه در مقدمهء یکی از کتابهای خود چنین می‏نویسد:

«هنر فقط برای اینست که زیبابا شد-هر چیزی که مفید باشد دیگر نمیتواند زیبائی خود را حفظ کند1».سپس برای تشریح این نظریه می‏گویند:زندگی‏ پیر از آلام و رنجهاست و تنها چیزی که ما را می‏تواند تسلی بخشد«زیبائی»است. البته این عقیده مخالفین سر سختی داشته و دارد مخصوصا پیروان مکتب رمانتیسم اجتماعی‏ و یا طرفداران مکتب جدید التأسیس رئالیسم با این فکر و نظر سخت مبارزه میکردند و عقیده داشتند که شاعران و نویسندگان باید برای اجتماع بگویند و بنویسند و حتّی‏ باید خود را مقیّد بخواسته‏های مردم بدانند.بهرحال،در نیمهء دوم قرن نوزدهم عده‏ای‏ از شعرای جودن که در اطراف«لو کنت دولیل‏2گرد آمده بودند عشق بز یبائی آنها را با یکدیگر متحد ساخته بود و علیه رمانتیسم اجتماعی قیام کرده بودند.این شاعران‏ جوان که«لوکنت دولیل»را پیشوای خود میدانستند اصل«هنر برای هنر»را پذیرفتند و شروع بانتشار مجموعه‏های شعری تحت عنوان(پار ناس معاصر3کردند.امّا طولی‏ نکشید که هریک براهی رفتند و ذوق وسیلقهء خود را تعقیب نمودند-تنها«ژوزه ماریا دو هر دیا (Jise Maris de Heredia) اصول و عقاید هنری استاد را حفظ کرد- «هر دیا»«مجموعهء»اشعار خود را تحت عنوان (Les Trophees) در سال 1893 منتشر کرد.

بعدها نام مجموعهء اشعار این شعرا(پارناس معاصر)بر پیروان این مکتب اطلاق‏ گردید و کم‏کم مسلک آنها را«پارناسیسم»نامیدند.پارناسیسم به مکتب کلاسیک که‏ جنبهء شخصی (Subjectif) ندارد یا بسیار کم دارد،تمایل پیدا میکند.شاعر مکتب‏ پارناسیسم سعی میکند اصول و قواعد شعر را کاملا رعایت کندد و قطعات شعری خود را همچون تابلوی نقاشی و یا مجسمهء زیبائی بیاراید.وی مانند مجسمه ساز زبر دست و نقاش ماهری دقت میکند تا کلماتی متناسب و زیبا را انتخاب کند و هر کلمه را در جای‏ خود قرار دهد.شعر این قبیل شعرا باید استحکام یک مجسمهء مرمرین باشد.پارناسیست‏ در پی این نمیرود که شعرش مطلبی را بیان کند کند بلکه آنچه برایش مهم است همان‏ زیبائی ظاهری واستواری کلمات و الفاظ و قوافی است.بعقیده این شعرا شعر نه باید بگریاند و نه بخنداند بلکه باید فقط زیبا و متحکم باشد.

تئوفیل گوتیه:در سال 1811 در شهر متولّد شد.ابتدا در پاریس‏ بکار نقاشی اشتغال ورزید و درین رشته مطالعات فراوانی کرد امّا بعدها با شعرای رمانتیک‏ روابط دوستانه برقرار کرد و در سال 1835 بکمک دوستان هنرمند خود مجمع هنری‏ را تشکیل داد.ابتدا برای کمک بمعیشت خود مقالات هنری بسیاری در روزنامه‏های‏ پاریس برشتهء تحریر آورد.از سال 1830 تا آخرین روزهای حیات خویش اشعاری‏ سرود که در دو مجلّد تحت عنوان (Les Emaux et Camees) جمع‏آوری و در سال‏ 1852 منتشر گردید.و نیز رمانهائی نوشت که مشهورترین آنها (Le Capitaine) Fracasse) میباشد که در سال 1863 منتشر شد.دیگر از آثاروی«داستانهای مسافرت» (Les Recits de Voyage) است که گوتیه سعی کرده است درین کتابها شرح‏ مسافرت‏های خود را به اسپانیا-ایتالیا-مشرق-روسیه شرح دهد.

گوبیه در تمام مدت زندگی از کارهای اجتماعی و سیاسی بر کنار بود و سعی‏ میکرد تنها دربارهء هنر خویش سعی و کوشش کند.گوتیه در حقیقت نویسنده‏ای‏ است که بجای قلم مو قلم بدست گرفته صحنه‏هائی را نقاشی میکند-قطعات شعری‏ وی به مینیاتورهای بسیار دقیق می‏ماند که هر قطعه لذت خاصی بانسان می‏بخشد- دیوان تئوفیل مانند آلبوم نقاشی است که مناظر بیشماری را نقاشی کرده و قدرت هنری‏ خود را در زیبائی آن بابلوهای بحد اعلی بکار برده است.

اینک قطعه‏ای من باب نمونه از نظر خوانندگان یغما میگذاد تا اصل و ترجمه‏ تحت اللّفظی آنرا باهم تطبیق فرموده از مضمون بکر و زیبائی صورت و معنوی آن‏ لذت برند.